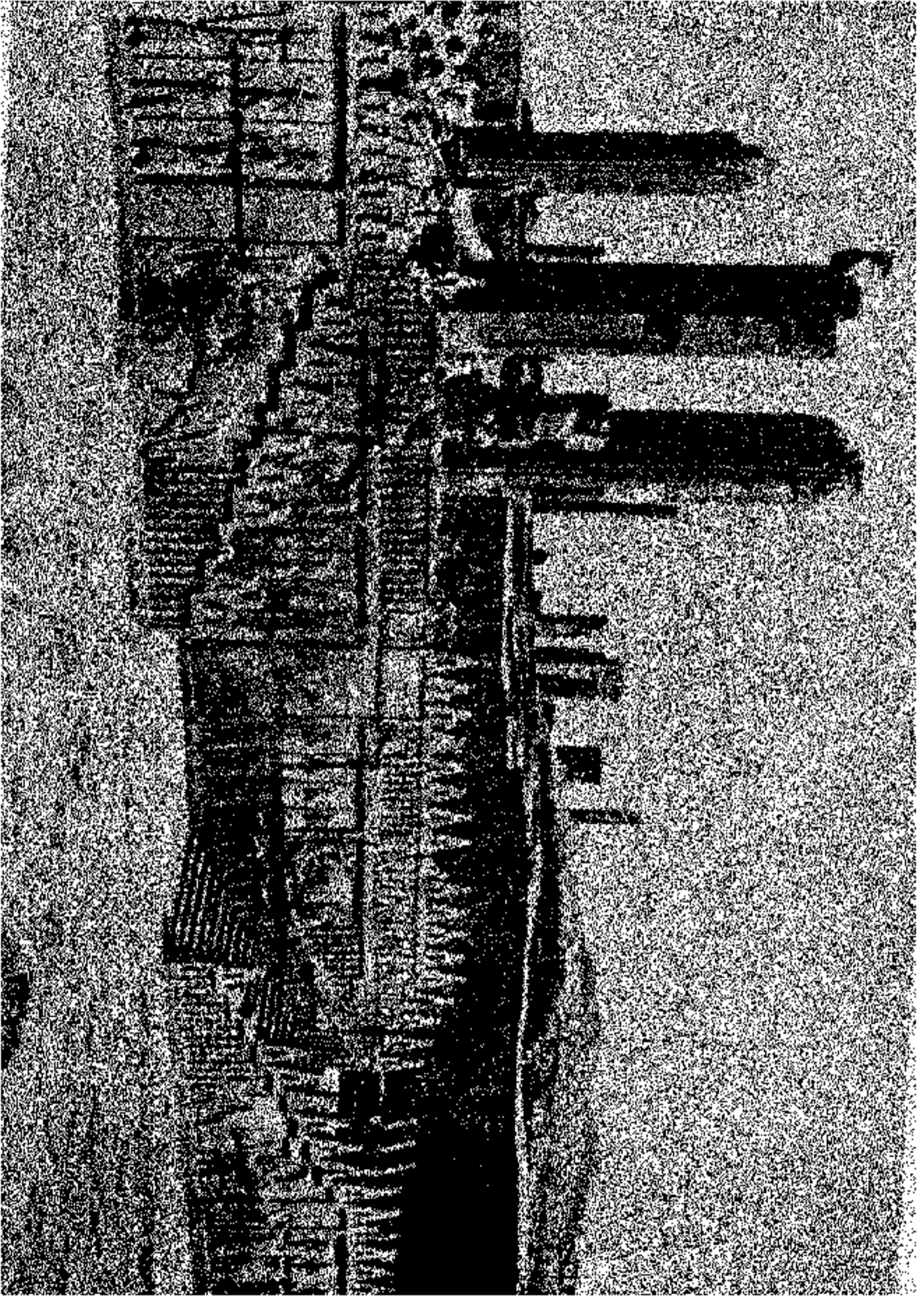


تالار شاه نشین (تالار تخت)

منظره عمومی - آپادانا در عقب تصویر مشاهده میشود

تصویر از پرسپلیس شمیت



قالار انجمن
منظره عمومی راه پله
عکس از پرسپلیس شهیت

شعرای ایران باستان



گفتار نیک - کردار نیک - پندار نیک

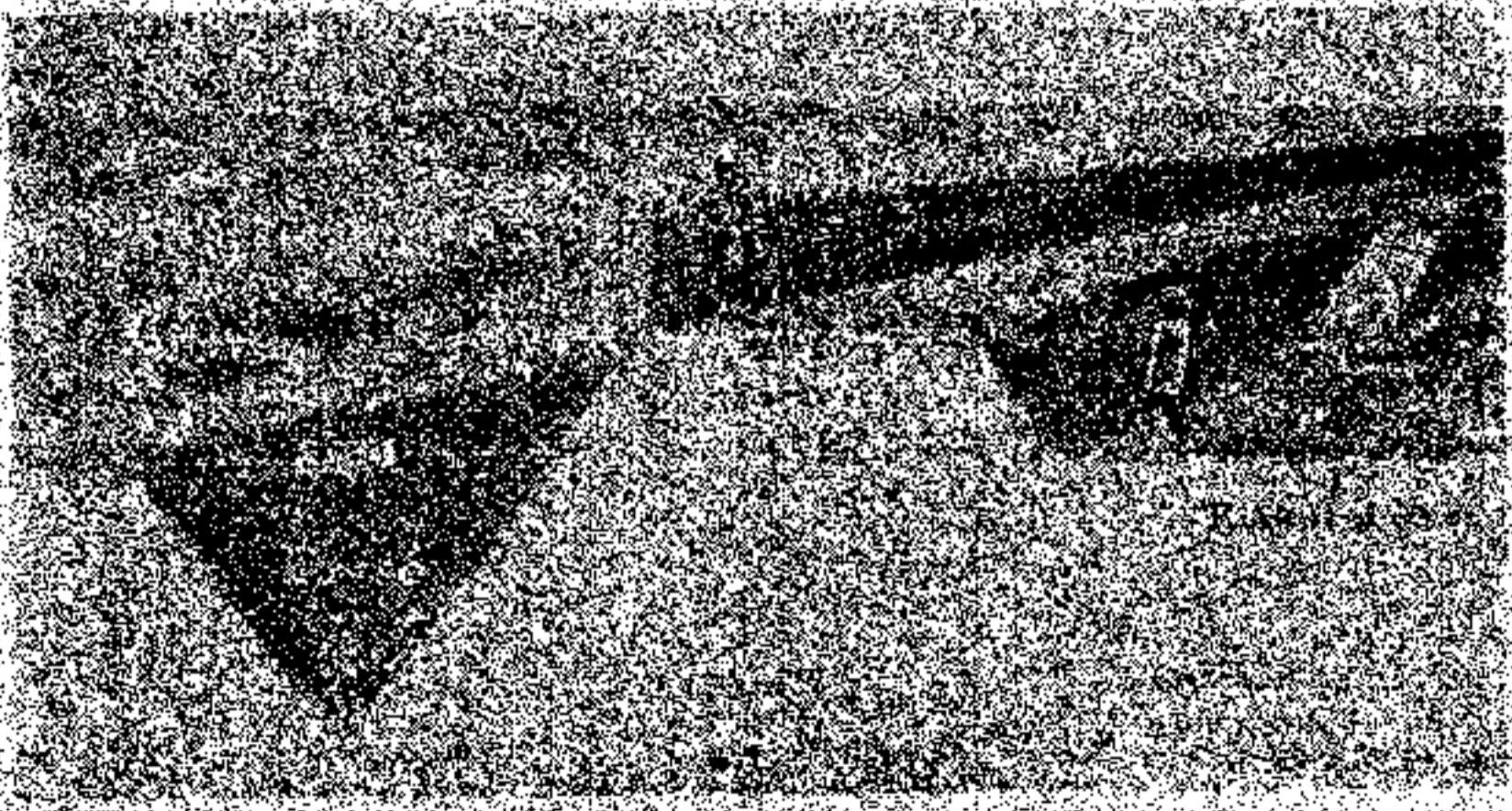
(شعار ایرانیان قدیم)

عکس از پرسپلیس شمیت موزه ایران باستان (مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو)
پر کن ز باده جام و دمادم بگوش هوش بشنواز و حکایت جمشید و کیقباد
(حافظ)



اردوی رومی

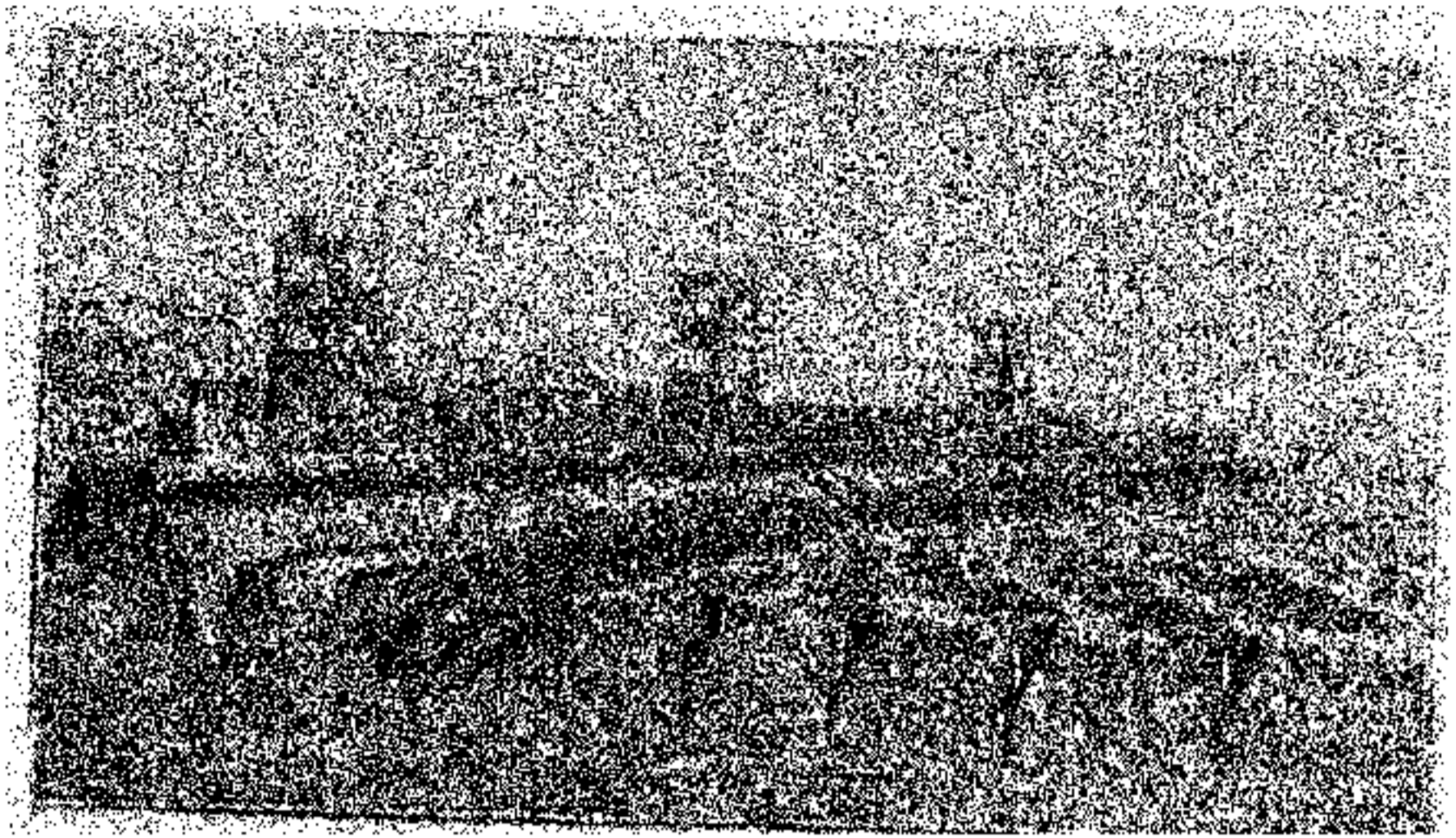
اردوی رومی عبارت از يك مربع مستطیل است که اطراف آن خنجر صخره‌شده و دارای باروتی است که روی آن برجی با تنه درختان کشیده‌اند. اردو دارای چهار مدخل است که توسط تنگه‌ها با آن حفاظت می‌شود. درون اردو سرآبرده سردار نشون دهنه می‌شود و داخل آن محل بلندی برای سخنرانی است. در مقابل برآبره ما در همان برجها مشاهده می‌شود.



مقطع استحکامات يك اردوی رومی

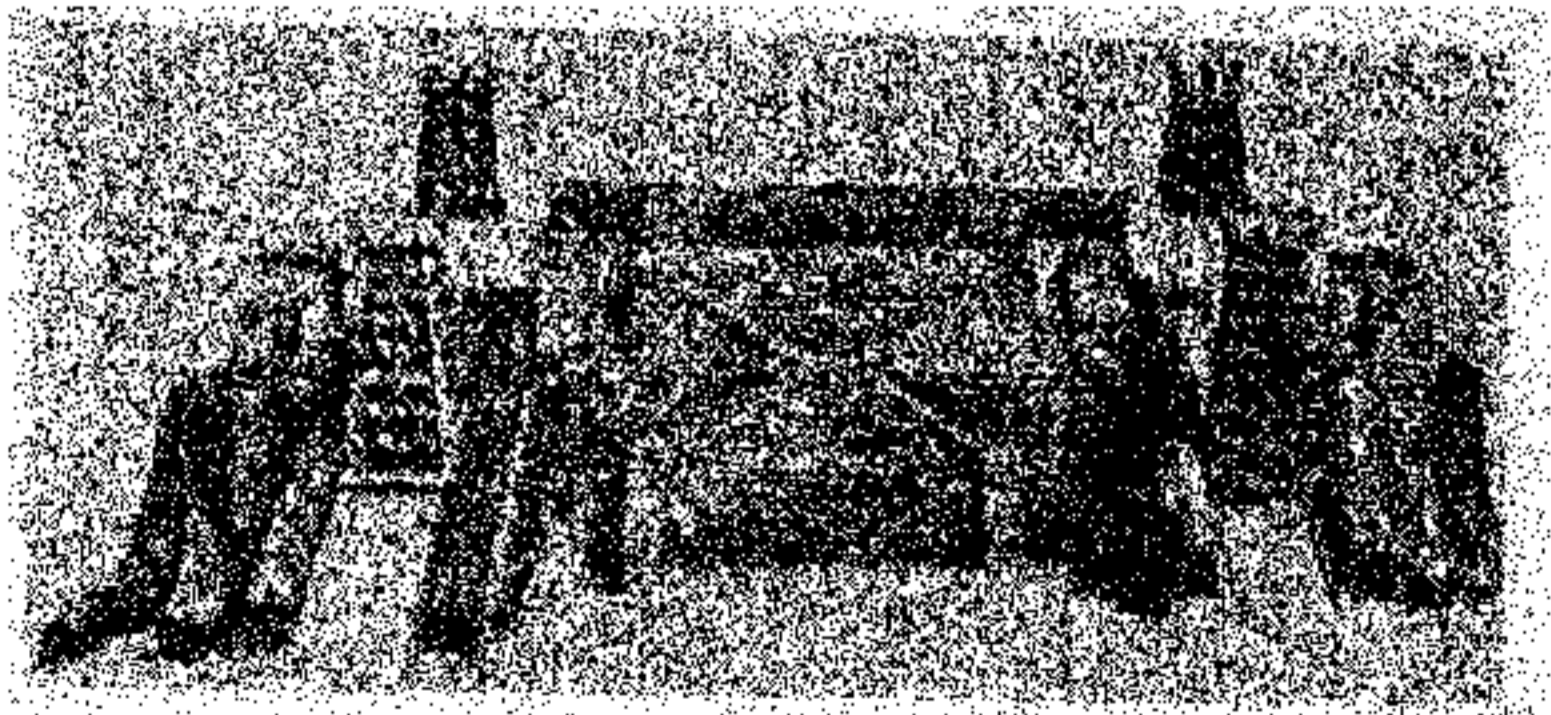
پس از حفر خندق خاک آنرا برای ساختن باروت‌کار می‌بردند روی باروت‌چینی می‌ساختند از تنه درختان که با شاخ و برگ آنها را بهم می‌بستند.

تصویر از تاریخ رم آلبرماله و اسپاک



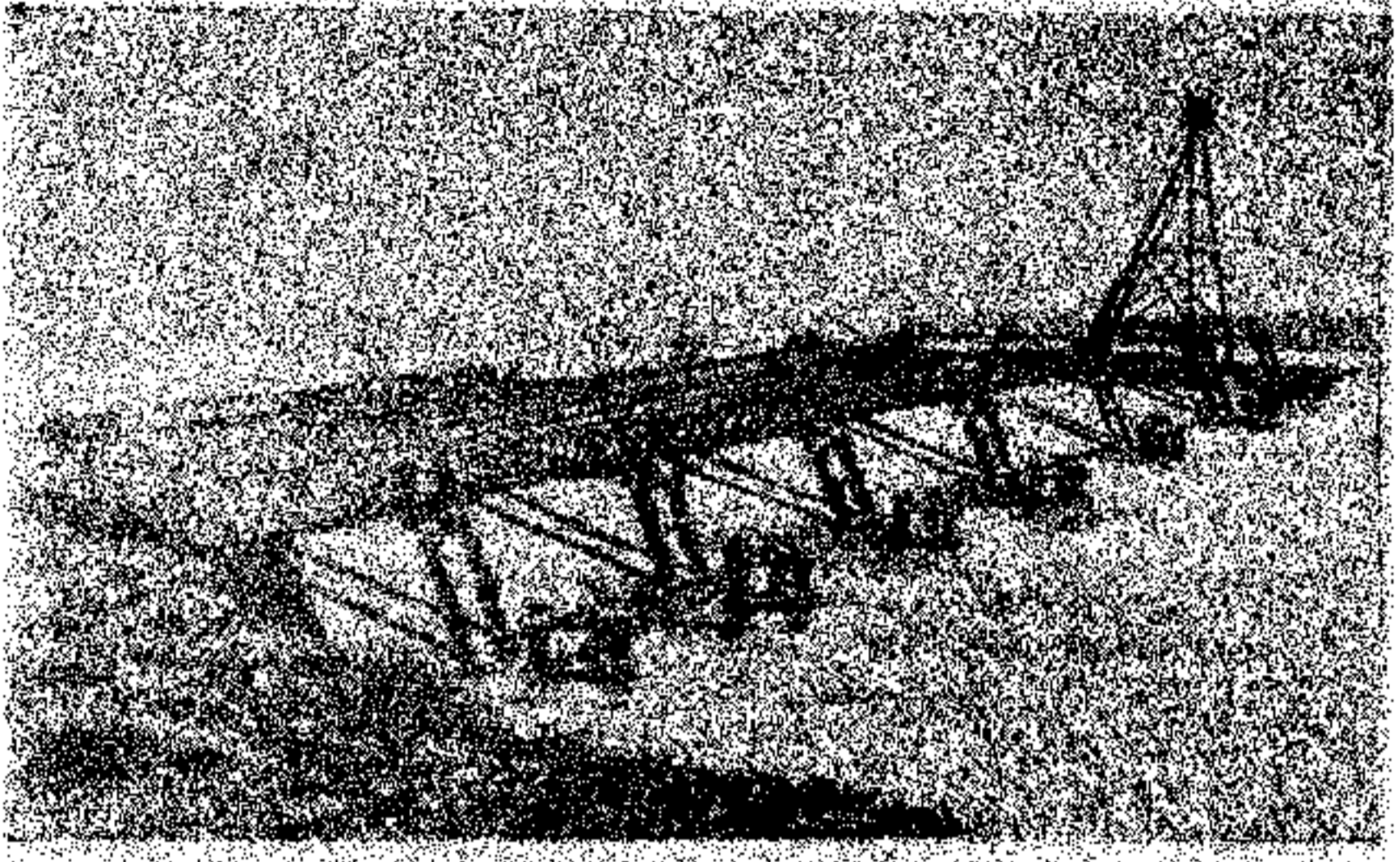
سنگر بندی و استحکامات رومیها در محاصره آلزیا

باروبا پرچینهای چوبی و برجها، دورشته خندق، سردیف تنه درختان باشاخه های انبوه، چندین ردیف حفره که درون آنها سرتیرهای نوك تیز قرار داده اند، دشمن را از عبور ممانعت مینمایند. رومیها پیرامون آلزیا بکرشته خطوط استحکامات بطول ۱۶ کیلومتر و بشهر و بکرشته بطول ۳۷ کیلومتر و بخارج شهر در ظرف مدت پنج هفته ساختند.



عملیات بمنظور رخنه کردن در استحکامات دشمن در محاصره آواریکم در مقابل برج و یاروی گلوواها که در عقب تصویر مشاهده میشود رومیها حصار چوبی ساختند که دارای دو منجنیق بود؛ راهروهای سر پوشیده در مقابل حصار دشمن برای رخنه در پای حصار و راه یافتن بدرون قلعه میباشد. در مقابل گلوواها نیز دو منجنیق در مقابل منجنیقهای رومی بر پا کرده اند.
عکس از تاریخ رم آلبرماله و ایساک.

کارهای همگانی نظامی در رم قدیم

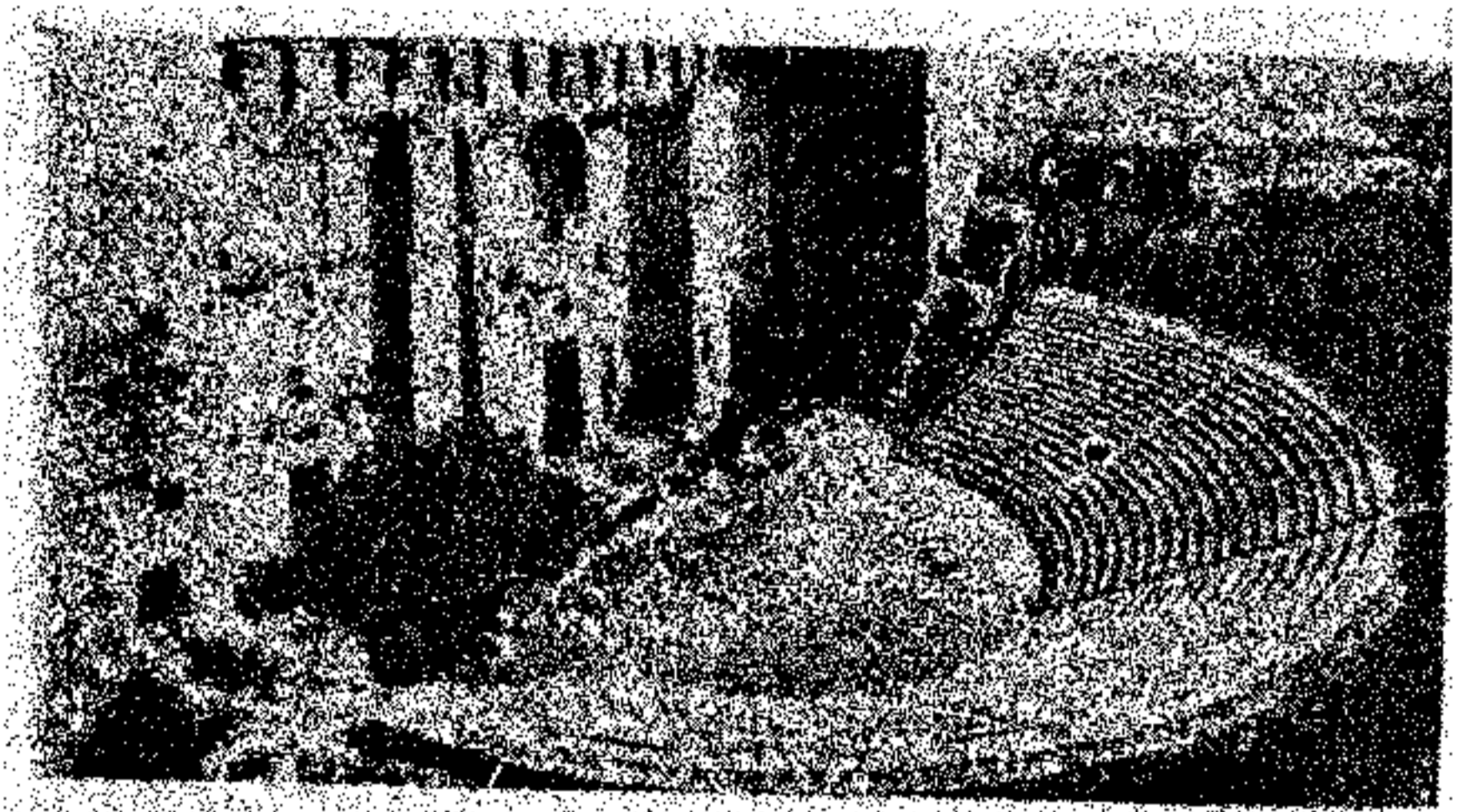


پل موقت برای عبور سپاهیان

سربازان قیصر برای انداختن این پل روی رود عظیم رن بیش از ده روز وقت صرف نکردند. پل روی پایه‌های مایل قرار دارد که توسط پایه‌های قائم تقویت میشود و ضمناً برای محافظت پایه‌ها در مقابل تنه درختان که ژرمنها برای خراب کردن پل در آب میانداختند بکار میرود.

تصویر از تاریخ رم تألیف آلبرماله و ایساک

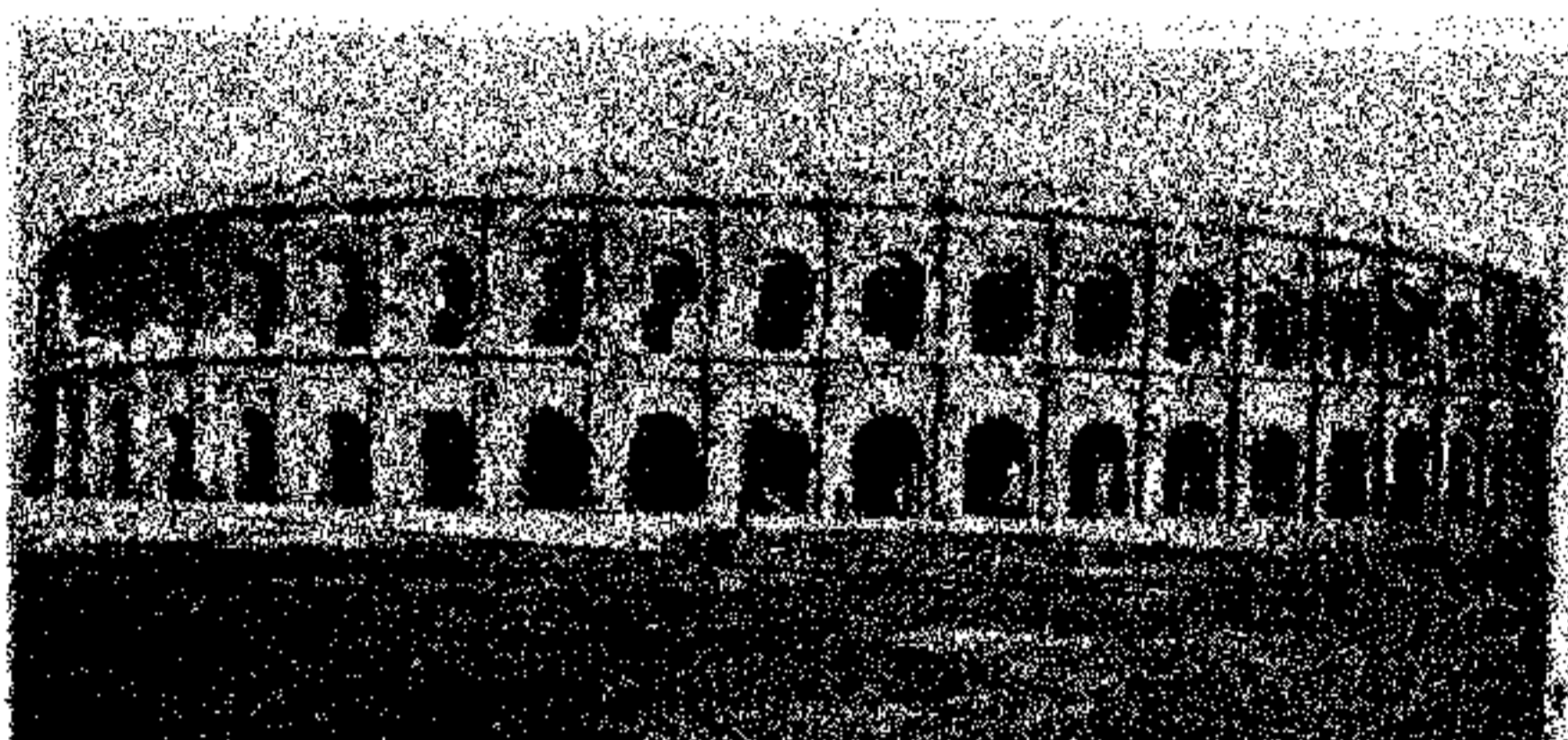
کارهای عام‌المنفعه در متصرفات رومیهای قدیم



تماشاخانه ارانژ

ارانژ شهر قدیمی گلووا که مستعمرة رومیها گردید دارای آثار چند از بناهای قدیم میباشد و زیباترین آن یادگارهای باستانی تماشاخانه شهر است. در محوطهٔ رو باز و وسیع تماشاخانه انعکاس صوت روی دیوار عظیم صحنهٔ آن طور است که ۲۵ هزار نفر تماشاچی با نهایت وضوح صدای هنرپیشگان را میشوند. این تئاتر در قدیم گنجایش ۵۰ هزار نفر تماشاچی را داشته است عکس از L'Art Antique تألیف Hourtice چاپ پاریس

کارهای عام‌المنفعه و خدماتهای همگانی در مستعمرات روم قدیم.



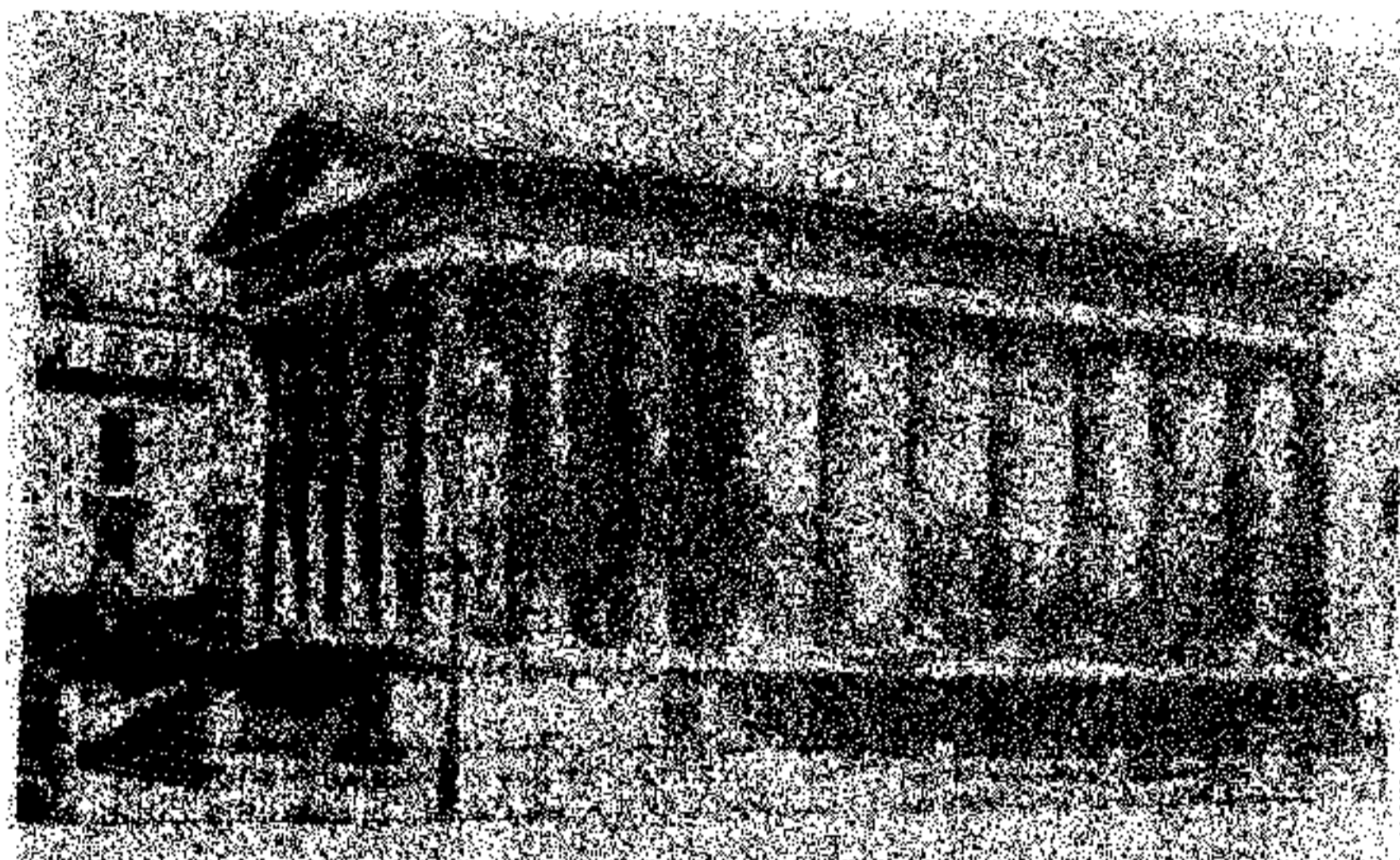
تماشاگاه (آرن) در نیم

نیم بزرگترین شهر گاوای رومی بوده و در آنجا آثار زیادی از زمان رومیان باقی مانده است. این تماشاگاه که در سده دوم میلادی ساختان آن پایان یافته گنجایش ۲۴ هزار نفر تماشاچی را داشته است - نمای خارجی آن بسیار زیبا و ظریف و از ۶۰ طاق قوسی که در دو ردیف بر روی هم قرار دارد تشکیل یافته و توسط مجر دیها بهم متصل میگردد. در این تماشاگاه اکنون نیز مانند زمان رومیها نمایشهای گاو بازی معمول میباشد.

عکس از L'Art Antique

تألیف Hourticio چاپ پاریس.

کارهای عمومی در مستعمرات رومیان قدیم.

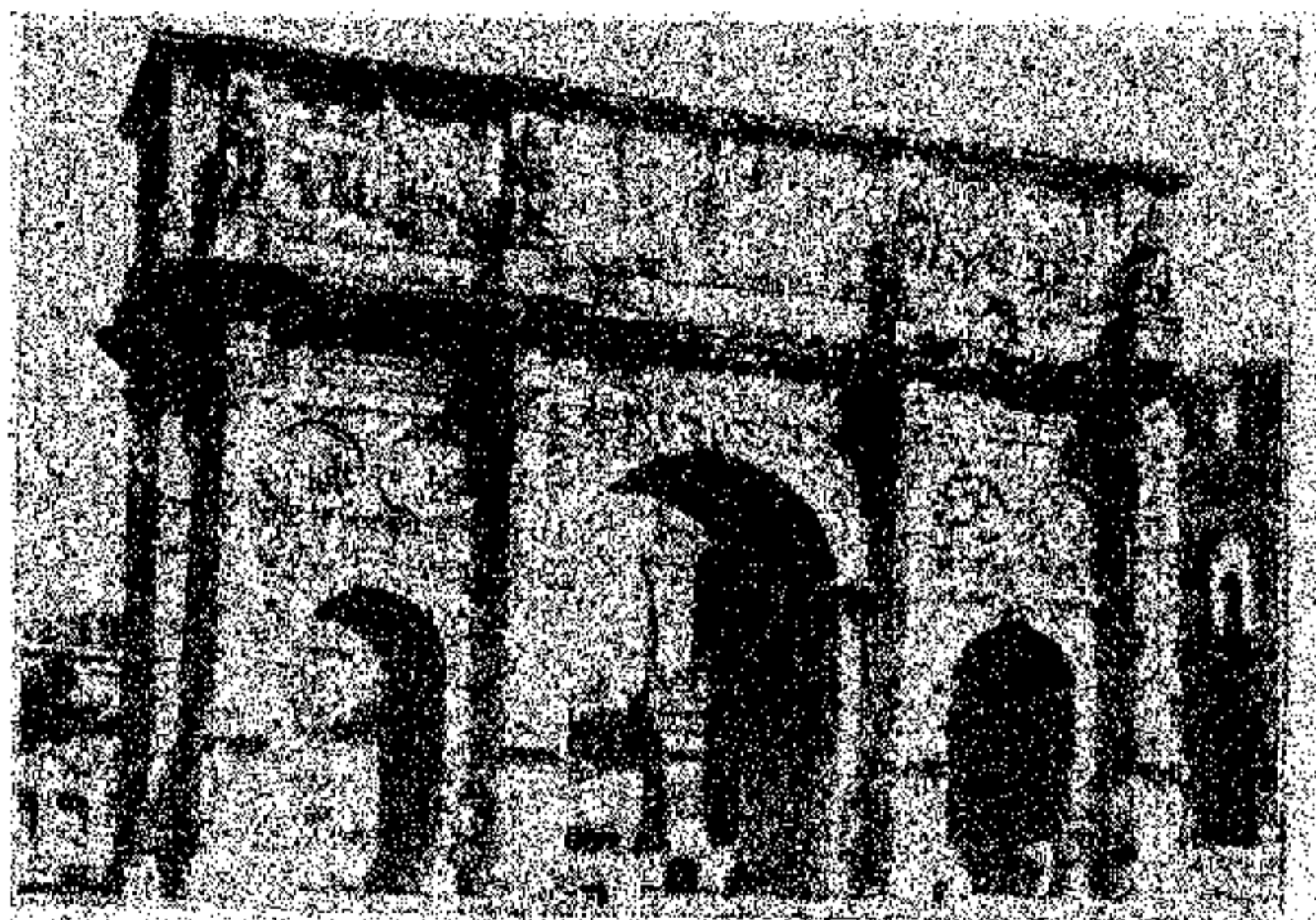


معبد چارگوش در نیم

این معبد که از جمله زیباترین بناهای سبک رومی است تا کنون بخوبی باقی مانده بنای آن در عصر اگوست و بطرز کاپیتول معبد ملی رومیها ساخته شده. کلیسای مادلن در پاریس باین سبک بنا شده است.

عکس از L'Art Antique تألیف Hourtico چاپ پاریس.

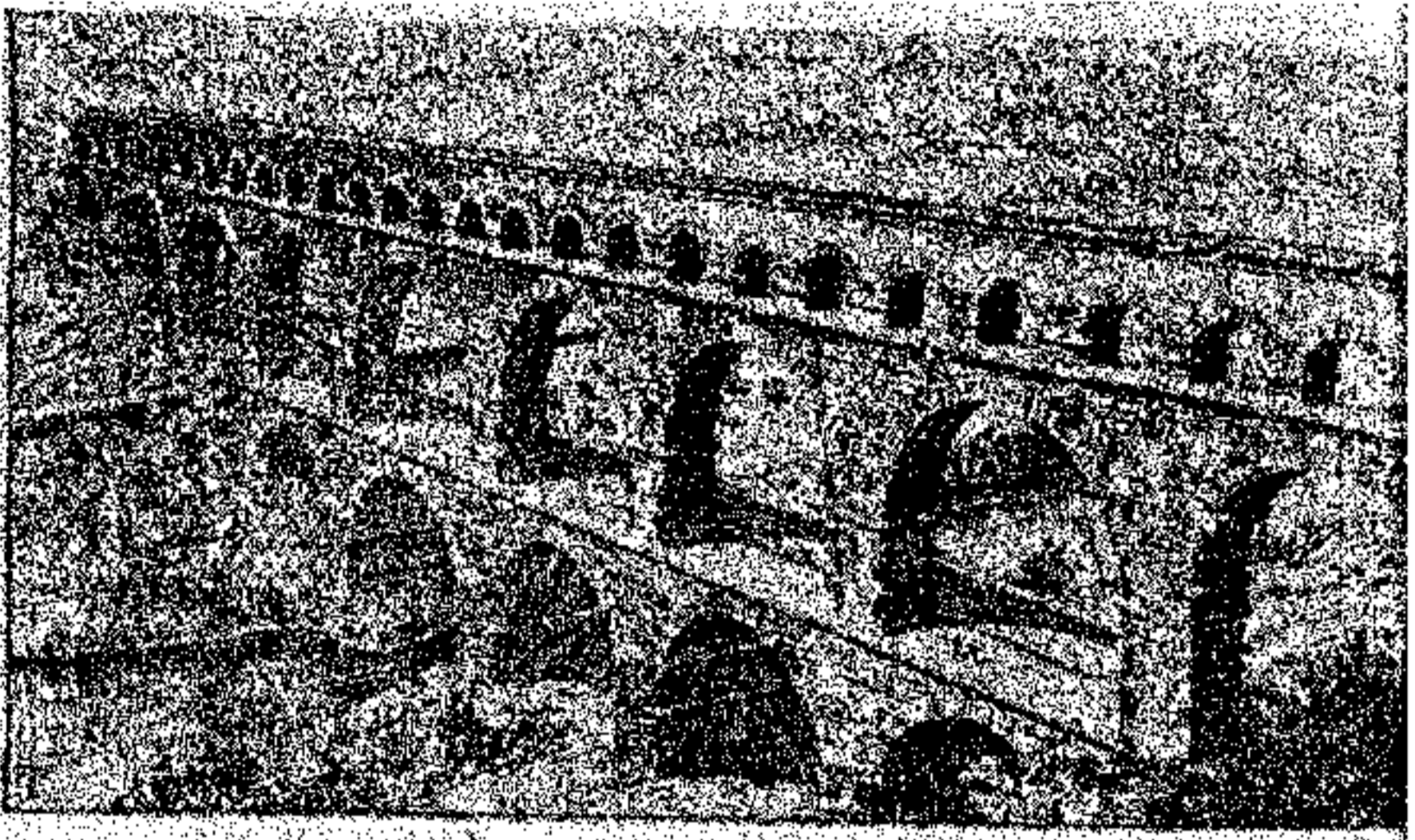
کارهای عمومی در روم قدیم



طاق نصرت قسطنطین در روم

این طاق معظمترین طاقهای نصرت در روم قدیم بوده و بهتر از همه باقی مانده است، سه دروازه آن نشانه سه قسمت راههای رومی یعنی دو پیاده رو و یک شوسه در وسط میباشد. تزئینات آن فراوان، بسیار متنوع و نامساوی است.
عکس از L'Art Antique چاپ پاریس.

کارهای عام المنفعه در گل قدیم

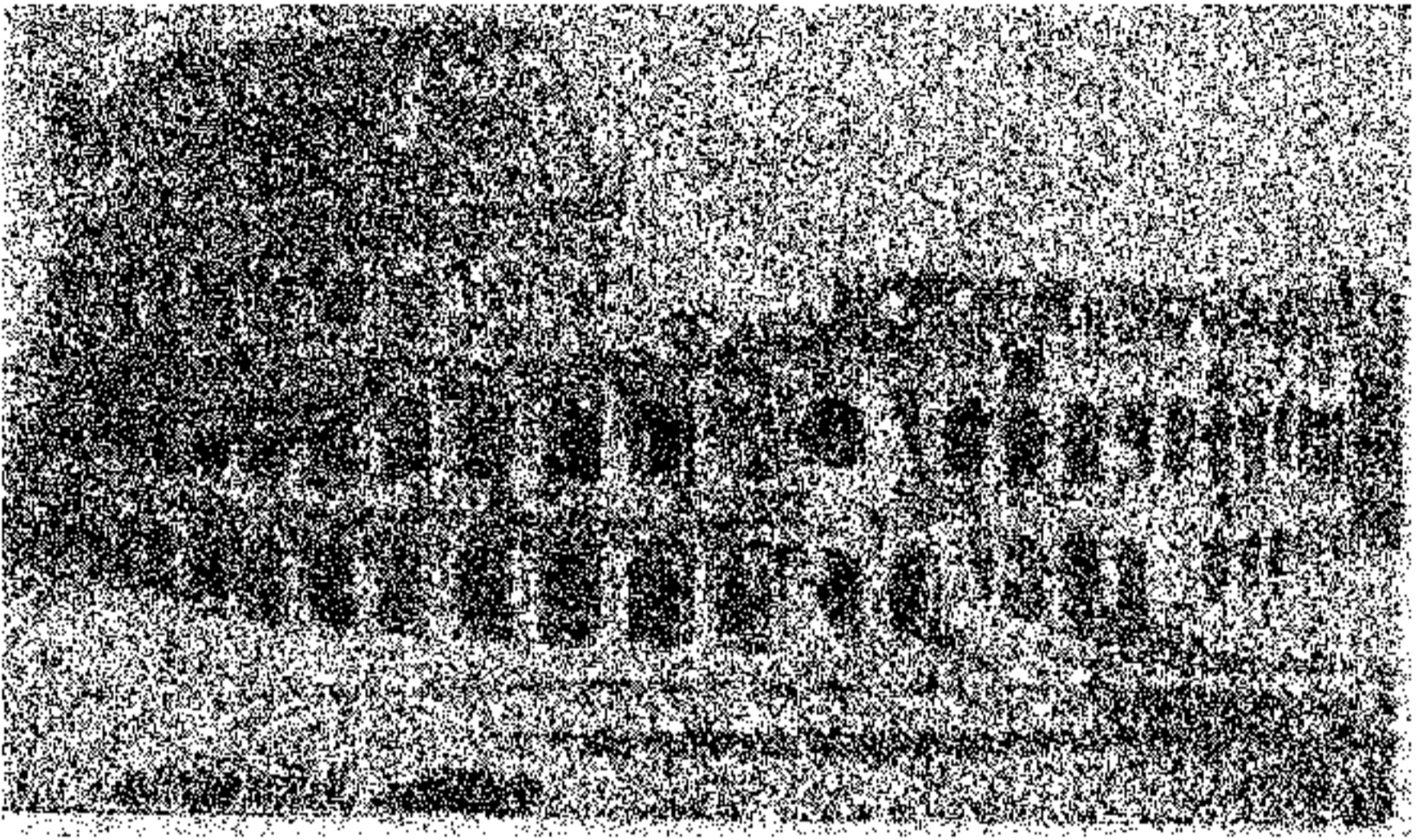


پل وناوسمان در نیم

این پل وناوسمان موسوم به بندو کار Gard du Pont از سه طبقه تشکیل یافته و هر طبقه مرکب از پایه‌هایی است که توسط طاقهای هلالی بیکدیگر متصل میگردد. ارتفاع آن ۴۷/۲۸ متر، طول آن ۲۲۶ متر و روی رود گاردن Gardon در ۲۴ کیلومتری نیم بنا شده است. نیم از شهرهای فرانسه میباشد و این بنای عظیم که در زمان تسلط رومیها در آن کشور (گل) ساخته شده جسورترین شاهکار معماری و ساختمان در دوره های باستانی بشمار میآید.

عکس از تاریخ عمومی تألیف رایینسن - برستند - سمیت

چاپ بستن کشورهای متحد امریکا.

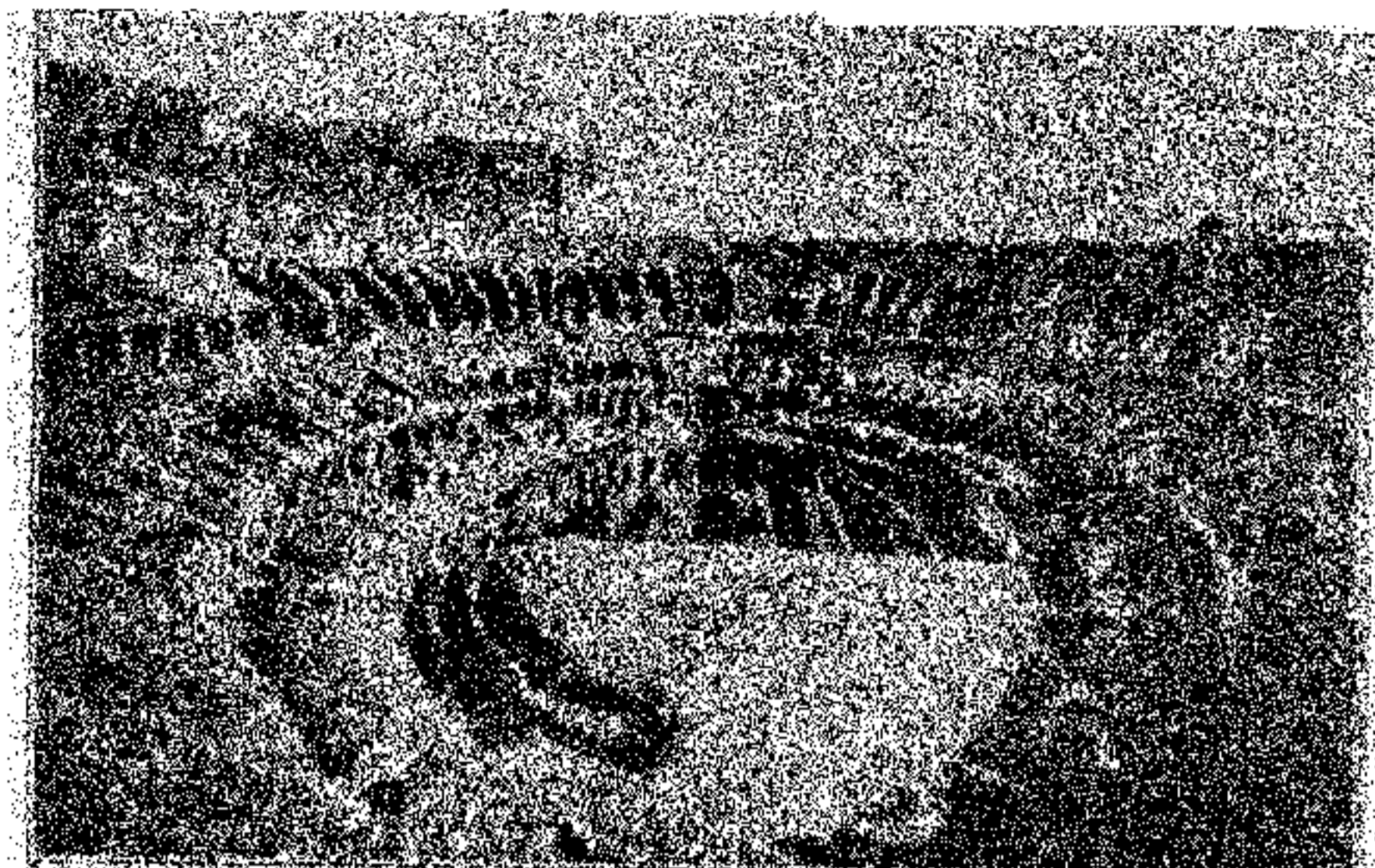


تماشاگاه بزرگ کلیره

منظره خارجی - کلیره واقع در رم دارای شکل بیضی است . قطر ا طول آن ۱۸۷ متر و قطر
 اقصی ۱۵۲ متر و ارتفاع آن در حدود ۴۸ متر میباشد . صحنه درونی کلیره ۸۶ متر در ۵۲ متر است .
 در زیر زمین برای وحوش و سباع قفسهایی ساخته بودند بطوریکه مانند آسانسور میتوانستند
 تا سطح صحنه بالا آورند . در کلیره متجاوزاً از ۵۰ هزار نفر تماشاچی جامیگرفت و در آنجا جنگ
 غلامان (گلادیاتورها) را باهم و مقابله اسیران را با حیوانات درنده نمایش میدادند .

عکس از L' Art Antique

تألیف Hourtico چاپ پاریس .



درون کلیزه

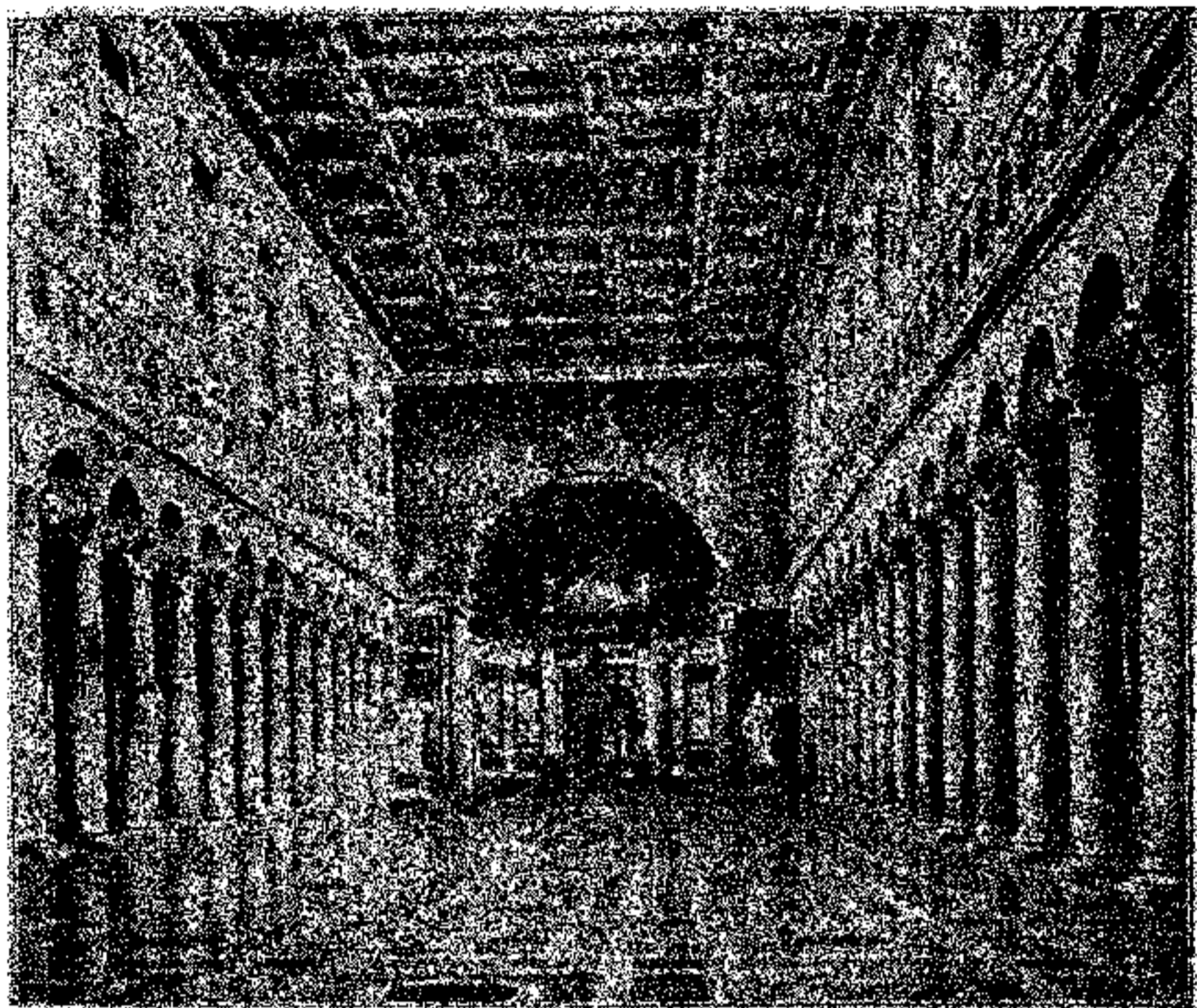
در آغاز مسیحیت عدهٔ بیشتری از عیسویان را در همین مکان در کام‌ددان افکنده و قوم مشرک رومی با ولع تمام به تماشای درنده‌گان خون‌نخور در حال ریختن خون پیروان مسیح (۴) و درهم شکستن و خرد کردن پیکر آنان مشغول و سرگرم میشدند و برای بهتر دیدن منظرة هولناک و فجیع شکافتن و دریدن و پاره کردن اعضاء و جوارح انسانی و ممالمة رعب‌آور و سهمناک جنگال و دندان‌شیر و پلنگ و ببر با گوشت خام بدن آدمیزاد سر و دست میشکستند. دیدن چنین منظرة‌های جانگداز و دردناک برای رومیان قدیم باقتضای طبع خونخوار و خوی خشن و ناهموار آنها بسی لذت بخش و فرح‌انگیز بود.

گلابیاتورها اسیران جنگی بودند که رومیان آنها را بفلامی و بردگی در میآوردند و عده‌ای از آنها را دولت روم در نوعی آموزشی نگاه نگاه‌داری کرده مر بیان مخصوص فنون جنگ تن‌بتن را بآنها میآموختند و آنها را دائماً بتمرین و عشق و امید داشتند تا در اعیاد و جشنها برای تفریح امپراطور و سرگرمی عامه نمایش دهند. سلاح گلابیاتورها قداره و سپر یا سه‌شاخه و تور بود. مبارزه دو بدو در صحنهٔ نمایش آنقدر ادامه مییافت تا یکطرف پیروز گشته حریف را بر زمین افکند و یا لابلای تور گرفتار نماید؛ آنگاه امپراطور که در جایگاه مخصوص جلوس کرده بود اگر شست‌خود را روی پائین نشان میداد علامت این بود که باید کار افتادهٔ مغلوب ساخته شود و هر گاه سرانگشت وی رو به بالا قرار میگرفت نشانهٔ عفو و بخشایش بود.

تصویر از L'Art Antique تألیف Hourtico چاپ پاریس.

شرح از مؤلف.

کارهای همگانی در خدمت کلیسا

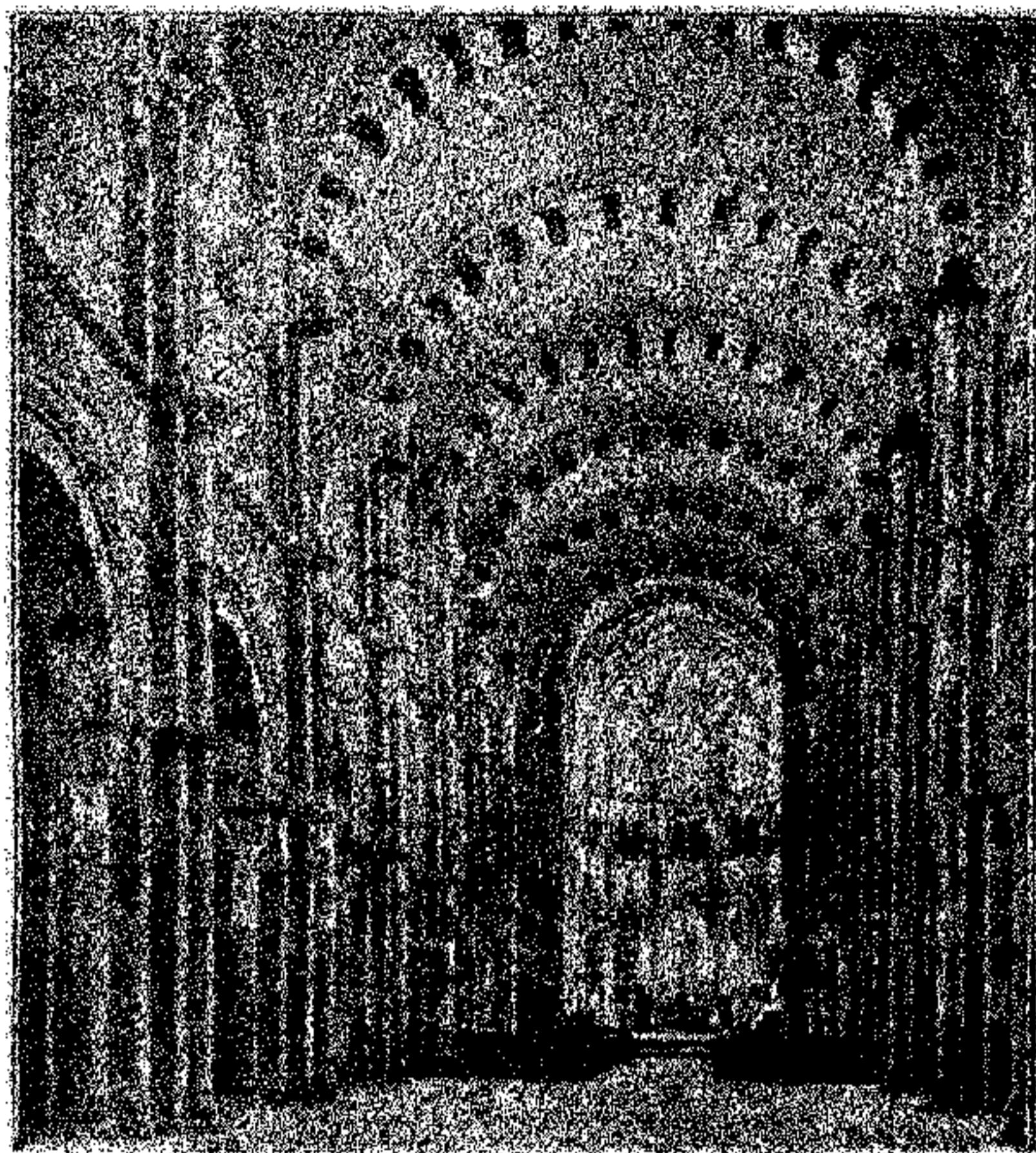


کلیسای بولس پاك دروم

«پس از آنکه جور و ستم و بلا و مصیبتی که بر سر پیروان اولیه مسیح آوردند روزی هم فرارسید که بولس پاك با کلام آتشین خود شوکت و جلال و تفرعن و تبختر فرمانفرمای رومی را با آن دسته تیرهای بهم بسته، نشانه قدرت بیکران وی، در قدم عیسی مسیح آن ناجی بزرگ درهم شکست و خرد و خمیر گردانید و چون ویران برای معاکته در دادگاه احضار نمودند همیشه لب بسخن گشود تأثیر گفتارش قضات را در جایگاه خویش همچون شاخ بید بلرزه در آورد. يك حرف از گفتار آن مبلغ گرانمایه و پاك سرشت آنقدر بهره وفایده و فخر و مباهات بر مردم شهر با عظمت رم رسانید که تمامی خطابه‌ها و سخنرانیهای سیزده آن گوینده و خطیب نامور و شهیر نصیب آنها نگردانید.»

فصاحت و بلاغت بولس پاك .

از گفتارهای مشهور و مواعظ بسوئه در سال ۱۶۵۹ میلادی
شبهستان بزرگ مجلل و باشکوه این کلیسا با سنگهای گرانپها و مصالح عالی ساخته شده ستونهای یکپارچه از رخام و مرمرهای ممتاز و سقف آن که شاهکاری از هنرهای زیباست دارای قبه‌هایی از زرناب و توپر میباشد. در انتهای شبهستان محراب دیده میشود و جواهرات و احجار کریه و اشیاء نفیس آن بیننده را خیره میسازد. عکس از L'Art Antique شرح از مؤلف.



کلیسای مادلن در وزله

شبیستان این کلیسا عریض و وسیع، دارای طاقی بلند و در سبک رومی بی نظیر میباشد. در جناحین آن برای تقویت دیوارها پایه و سکو نساخته اند و باینجهت میتوان با پنجره های بزرگ درون کلیسا را روشن کرد معذک در انتهای کلیسا، در قسمتی که مخصوص آوازاها و سرودهای مذهبی دسته جمعی است، با سبک گتیک بهتر بمقصود راه یافته و مسأله روشنایی را حل کرده اند. وزله *Vezelay* واقع در فرانسه در معبری بین حوضه رود سن و رن واقع است.

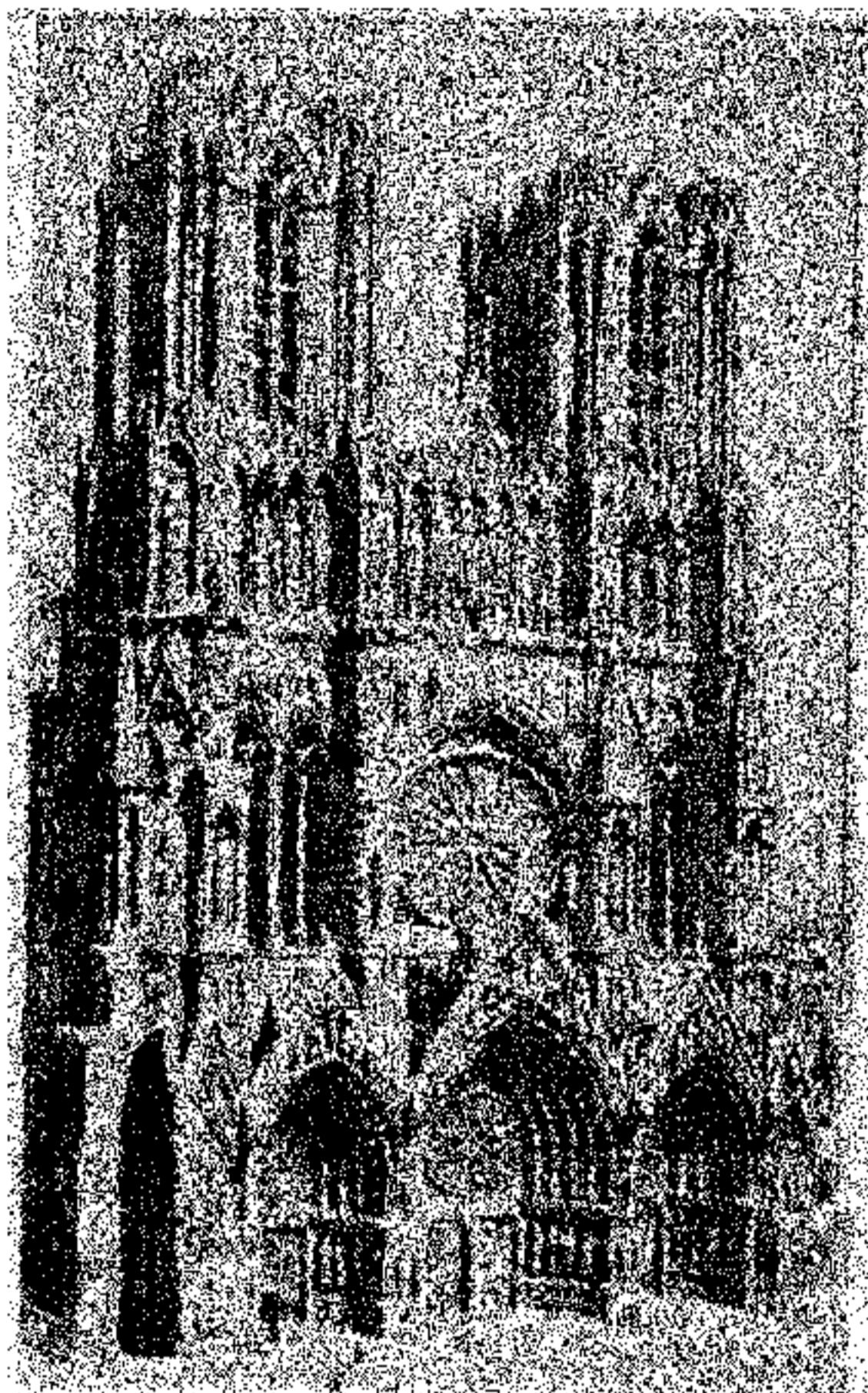
عکس از *L'Art Antique*

تألیف *Hourtico* چاپ پاریس.

کارهای عام‌المنفعه در قرون وسطی

کلیسای بزرگ رنس

La cathédrale de Reims



سردر کلیسای بزرگ رنس

همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت

پس از انقراض روم غربی بدست هجوم کنندگان شمالی، اقوام و طوایف ژرمن بتدریج
جانشین رومیها در متصرفات و مستملکات آنها گردیدند.
پیشوایان روحانی و آباء مسیحی برای جلوگیری از شقاوتها و بیرحمیهای آنها فداکاری

شهامت زیاد بخرج دادند و برای رام کردن آنان با ملایمت و پند و اندرز مجاهدت
اوان نمودند، والحق سوهان زدن و هموار کردن خوی وحشی و اخلاق تند و خشن مهاجمان
بر و قبولانیدن همین يك نکته که :

نزاع بر سر دنیای دون کسی نکند بآشتی پیر ای نور دیده گوی فلاح

یا

درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد نهال دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد
ای مردم افتاده و مغلوب کاری بس دشوار بود . کلویس Clovis پادشاه آنها در سده
جم میلادی رومیها را در سواسن Soisson مغلوب کرد و بر اقوام ژرمن یکی پس از دیگری
بق آمده آنها را مطیع و منقاد خویش ساخت و تمامی گل را در حیطه تصرف و اقتدار
ویش در آورد سه سال بعد آلامانها از اقوام ژرمن که در آلزاس و لرن مستقر شده
بودند بنای پیشروی بطرف گل را گذاشته و کلویس ناچار بزده خورد با آنها پرداخت ؛
رائتای کارزار که جنگ مغلوبه گردید نزدیک بود آلامانها سپاهیان کلویس را از میان
شکافند، وی با چشمانی اشکبار سر خویش بسوی آسمان کرده با سوز دل چنین گفت : «ای عیسی
سیح ای کسی که ملکه پسر خدایت میداند (ملکه موسوم به کلوتیلد Clotilde شاهزاده
اتولیک بود و او همواره کلویس را بآئین عیسوی خواننده از بت پرستی منع میکرد)
بر چه بدرگاه خدایان خود استغاثه نمودم در آنها اثر نکرد همانا توانایی آن ندارند که
و سختی خادمان خود را دریابند ، اکنون دست لایه وزاری بسوی تو دراز میکنم و یاری
بخوام ، اگر از جنگ دشمنان نجاتم بخشی عهد میکنم بتو ایمان آورده دین ترا بپذیرم . »
و آنحال که پادشاه فرانک این کلمات را ادا مینمود آلامانها پشت کرده فرار اختیار نمودند .
کلویس بعهد خود وفا نمود و سن رمی . Saint Rémi در سال ۴۹۶ میلادی ویرا باسی هزار
فراز جنگجویانش بکیش عیسوی در آورد داستان غسل تعمید کلویس شنیدنی است :
رای انجام تشریفات غسل تعمید پادشاه کلیسای بزرگ رنس را آراستند . روز موعود دعوت
بدگان از بزرگان واعیان و رجال گلو و فرانک و اعظم امرای ژرمنی بالباسهای فاخر و
بسی سرتاسر کلیسا هر يك در جای خود قرار گرفته مجلسی باشکوه و مجلل ترتیب دادند .
نون کلویس پای بدرون کلیسا نهاد از هیبت وی موی بر اندام همه راست و نفس در سینه ها حبس
گردید . آنگاه در سکوت مطلق سن رمی Saint Rémi اسقف اعظم رنس باطمینان
و قار تمام قدم پیش نهاد و پادشاه را برای غسل تعمید دعوت نمود . هنگام ادای مراسم

مذهبی آهنگ صدای روحانی عالی‌قام شیر دل و شجاع زیر طاق بلند کلیسا طنین انداز گردیده بفرمانفرمای مطلق و پادشاه مقتدر فرانک چنین گفت: « سرخویش فرود آرای سیکامبر (۱) مغرور، اکنون آنچه را بر آتش سوختی پرست و آنچه را پرستیدی بر آتش بسوزان.»

این جمله مؤثر که از طرف يك مقام روحانی باشهامت و ایمان بقدرت مطلقه پادشاهی خود سر و مغرور، غرق در جاهلیت و بر بریت و در اوج شوکت و اقتدار خطاب شده در ادبیات فرانسه معروف و جزء مثل‌های سائر گردیده است.

کلیسای بزرگ رنس بنا بر این سابقه بعدها محل انجام تشریفات بزرگ و رسمی گردید. پس از سن رمی اسقف‌هایی که بجانشینی وی آمدند مراسم تدهین باروغن مقدس را برای سلاطین فرانسه معمول داشتند و با انجام این مراسم وراثت حقه تاج و تخت برای پادشاه مسلم میگردید. در زمان جنگ‌های صدساله که نیمی از فرانسه را انگلیسها اشغال کردند سلطنت آن کشور بین پادشاهان فرانسه و انگلیس مورد منازعه قرار گرفت در آن وقت ژان دارک بطرفداری از شارل هفتم پادشاه جوان فرانسه ویرا برای انجام مراسم تدهین باخویشتن بر اس برد.

سر در کلیسای رنس بیک معماری از بوال ساخته شده و شالوده بنای آن مانند کلیسای نتردام در پاریس میباشد با این تفاوت که پیکر بنا در نتردام سنگین و پر بنظر میآید در حالی که در کلیسای رنس توده عظیم و جسیم ساختمانی را بشکل ستونها و میله‌های باریک و بلند و ظریف در آورده‌اند. گویی از دل بنای کوه پیکر ماده و جسم را بیرون کشیده با سر پنجه ذوق و هنر و صنعت ظریف و نازک کاری جان و روان بآن بخشیده‌اند.

در قسمت‌های فوقانی طاقها و قوس‌های متقاطع تزئیناتی مثلثی شکل با زاویه تنگتر ساخته‌اند. توجه باینکه خطوط قائم از نظر محور میباشد همچنین ملاحظه پیکانها و نوک‌های تزئینی در بیننده این توهم را ایجاد مینماید که تمامی ساختمان حجیم و عظیم کلیسا متوجه بعالم بالا و در حال صعود بطرف آسمان است.

(عکس از L'Art Antique شرح از مؤلف)

(۱) Sicambre نام طایفه‌ای از ژرمنها که کلویس بدان منسوب بود

کارهای عام المنفعه در قرون وسطی

کلیسای بزرگ آمین

La Cathédrale d'Amiens

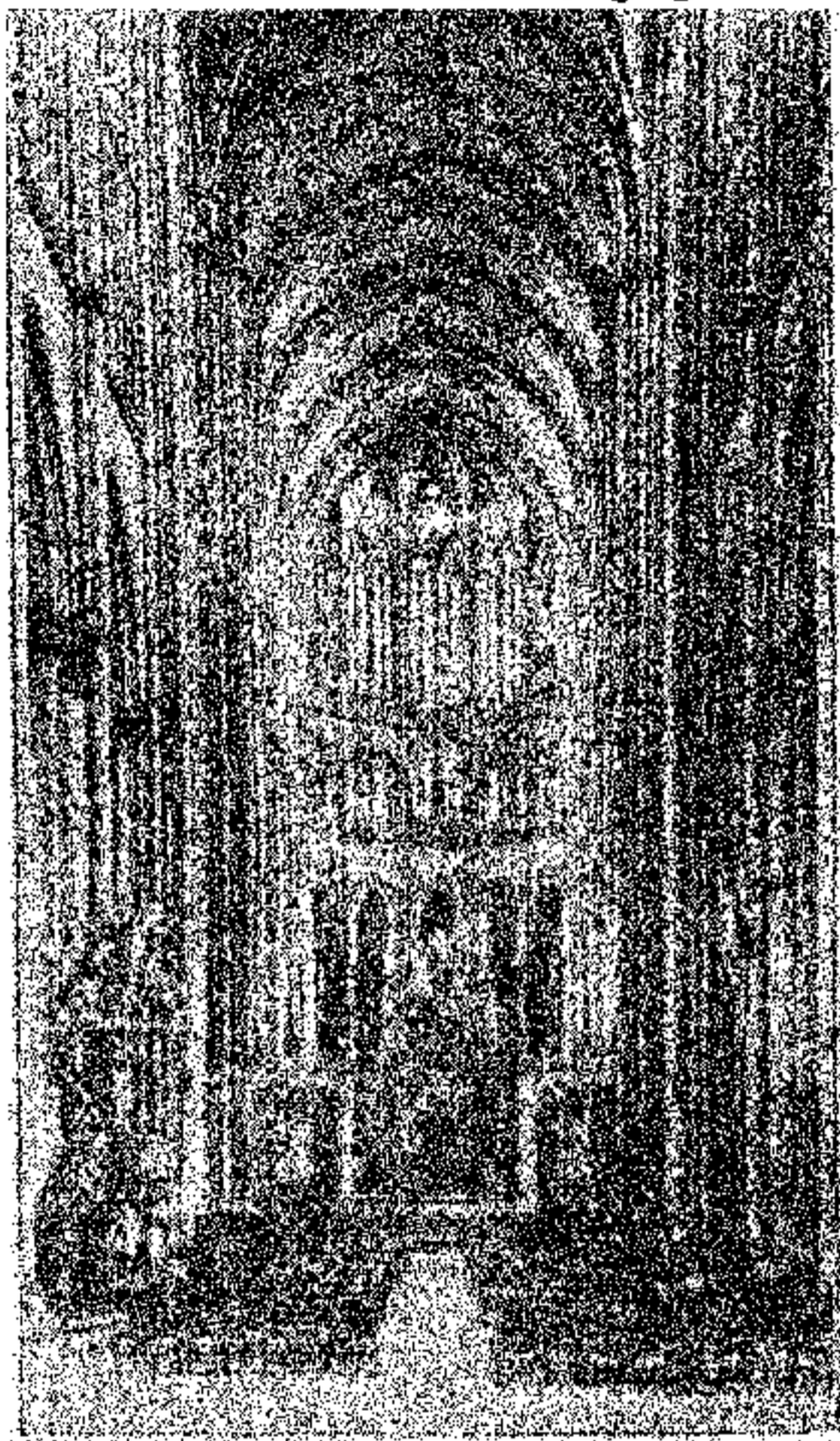
ساختمان این کلیسای بزرگ در سال ۱۲۲۰ میلادی آغاز گردیده و بنای نقشه اولیه آن

بطور کلی در زمان سلطنت سن لوئی پایان یافته اما کارهای مهم و فراوانی تا دوره رنسانس در آن بعمل آمده است.

شبستان این کلیسا در

نوع خود زیباترین شبستانی است که در تمام کلیساهای دنیا وجود دارد. معماران پیر و سبک گتیک (نوعی از اسلوب ضریبی یا مقرنس) با سنگینی و ثقل در مقام مبارزه برآمده و کوششها کرده اند تا بر جسمت و ماده فایق آمده و پیروزی یافته اند. در بناهای سبک رومی که سردرها و بالای پنجره ها هلالی و طاقها گهواره ای یا گنبدی است در بیننده احساس سنگینی و ناراحتی پدید می آید، در حالی که درون این شبستان راحتی و سبکی احساس شده و تغیل انسان ماده و جسم ثقیل و سنگ گران وزن را در حال صعود به عالم بالا مییابد.

کلیساهای سبک گتیک با اژووال دارای طاقی مقعر شبیه بته کشتی است که واژگون گردیده خط الرأس آن



شبستان کلیسای آمین

بروای زاهد و دعوت مکنم سوی بهشت
که خدایا در ازل از بهر بهشتم بسرشت
تو و تسبیح و مصلی و ره زهد و ورع
من و میخانه و ناقوس و ره دیر و کنشت
(حافظ)

بلندترین قسمتها و فاصله بفاصله محل تقاطع قوسها و امتداد رگها و بندها نیست که ز پایه‌ها منفرع و منشعب گردیده بطور ضربی با هم تقاطع مینمایند.

خطوط و قوسهایی که در طاق کلیسا مشاهده میشود و نیز پایه‌ها که بصورت دسته‌ای بهم پیوسته از میله‌ها و بندهای باریک و بلند درآمده این توهم را در انسان ایجاد مینماید که قوای نقل حاصل از مواد و مصالح سنگین در امتداد این بندها ترسیم میشود و از تلاقی و برخورد آنها در خط الرأس تعادل قوای مزبور که موجب استحکام بناست برقرار میگردد. بعبارت دیگر مشاهده این شاهکار بدیع معماری موجد این تخیل است که تمام سنگینی سقف بلند و با عظمت کلیسا متوجه بیابان گردیده از نقاط تلافی قوسها در خط الرأس و در امتداد بندها و رگها بسطح زمین فرود میآید.

طاق رفیع و باشکوه این کلیسا جنابیت خاصی دارد و خواه ناخواه نگاه بیننده را بسوی شامخترین نقاط خود میکشاند. انگار تمامی ماده سازنده پیکر این کلیسای معظمه با جسامت و سنگینی خود در حال سیروسلوك و جذب خود را بطرف بالا میکشاند و پایه‌های عظیم آن در حال کشش و کوشش اندام خود را باریک و بلند ساخته سقف کلیسا را به عالم علوی صعود میدهد. جدارهای بنا در بین محملها محو گردیده بطوریکه روشنائی باستانی و فراوانی بدرون کلیسا راه مییابد.

مینوان گفت تحول بزرگی که از آغاز تا انجام ساختمان این کلیسا بعمل آمده هدف آن پیروزی و دست یافتن بر روشنائی است، ازینقرار که در بناهای اولیه کلیساها ضخامت و حجم دیوارها و پایه‌ها مانع دخول نور آفتاب بوده است، اما در سده سیزدهم میلادی آنچه از پایه‌ها و مجردیها برجای میماند قسمتهایی است که بصورت دسته‌های بهم پیوسته از بندهای نازک و ظریف برای نگاهداری قوسهای طاق و احاطه نمودن دروینجره‌ها بکار میروند، بطوریکه آفتاب تا بیان بدرون کلیسا بر توافکن گردیده شبستان را غرق در روشنائی میسازد.

عکس از L'Art Antique

شرح از مؤلف.

فرانکر بخیر

از بسوئه (۱) (۱۶۲۷-۱۷۰۴ میلادی)

خشك مقدسان سنگدل میشوند و خصب و نعمت و راحتى روح آدمى را فرا گرفته
پرا بخود مشغول و از اندیشه عم و بیچارگى و سیه روزى دیگران غافل میسازد و
رنگاه بدین نکته توجه شایان نبود بیم آنستکه سرچشمه فضائل انسانی از عواطف عالیه
بحم و شفقت یکباره خشك و نابود گردد پس باید گفت مکنت سرساز نکبت ریشمار بیمار آرد
ناسازگارتر چیزى با روح مسیحیت همانا فکر دنیا داری و اندیشه مال اندوزى است.

مگر روح مسیحیت جز حس برادری و دروت و عطوفت چیزى دیگر هم هست
گر جز با چنین روح و طرز اندیشه است که خویشتن را در غم و اندوه بیچارگان و رنج
حرمان بینوایان شریک میدانیم و از دست تنگی آنان در مقابل نیاز متدبیهان اندوهگین
بسویم و آیا از برکت همین عقیده نیست که چون به دست داریم سختی دیدگان را
در میباییم؟ بر خلاف فکر دنیا داری فزونى جستن و شوکت و جلال خواستن است که اگر نیک
کری جز افراط در خود خواهی و مبالغه در خویشتن بینی و خود پرستی چیزى دیگر
ست. دنیا دار چنین میاندیشد که جز خودش کسی دیگر وجود ندارد، دیگر بود متم و لا غیر
از همه مخلوق خدا جز مشتی موجودات بی ارج و از دحامی از سرهای بیقدر نیست. از
زوست که آدم خود خواه جز خویشتن کسی را بحساب نمیآورد و بود و نبود دیگران
رایش یکسان است و هم اینانند که میخواهند بخیر از نم و اندوه و مسائلی که بنی نوع بشر

۱ - بسوئه Bossuet از روحانیان عالیقدر فرانسه در نیمه دوم سده هفدهم میلادی
زمعاصر با لوئی چهاردهم بوده و علاوه بر مقام شامخ روحانیت از نویسندگان زبردست
خطبای شهیر فرانسه بشمار میرود. چون شخصی ارجمند و مردی بزرگوار، با فضل و تقوی
بسیار نهاد بود لوئی چهاردهم و برابرای تعلیم و تربیت و ایامد خویش برگزید. سخنوریهای
شیری او در مواعظ و حکم در فصاحت و بلاغت بن نظر و خطابه های سو کواری
Oraisons funèbres که در ستایش رجال و بزرگان و نمایندگان فضائل و خصال نیکوی
آنان پس از مرگ ایراد کرده مشهور است.

را احاطه کرده و گرفتار ساخته در خوشی و راحت و تنعم بسر برند غافل از اینکه
تو کز محنت دیگران بیغمی نشاید که نامت نهند آدمی

اما بنایم حکمت بالغه الهی را که دقیقه‌ای از دقایق عدل و انصاف فرو گزار نکرده و بر
بوته فراموشی و اهمال قرار نداده است. از این قرار ای مردمان مالدار و سنگین دل بدان
که نوبت شما نیز برای چشیدن طعم مصیبت و زقوم فلاکت و محنت در روزهای نیازمند
هر آینه فرا میرسد و نه تصور بفرمائید که منظورم از این سخن تهدید یا تحذیر شماست
باینکه مالتان را از کف بدهید و نادر شوید، البته این امری است که بتاثر تصادف متکبر
است روی دهد، اما آنچه را که من می‌خواهم یادآوری کنم بکلی چیز دیگر است که شد
و تردید در آن راه یافتنی نتواند بود و ناچار روزی خواهد رسید که آن چیز بسر وقت
می‌آید و دست بردار نیست تا کار خود را تمام و کمال بانجام رساند. میدانید چه می‌خواهم بگویم
و از این گفته چه مقصود دارم؟ پس گوش فرادارید تا خوب بشنوید. آن بیماری واپس
است که چون کریبان شمارا گرفت و بدان مبتلا شدید در عین حال که میان عده‌ای بیشتر
از یاران و پزشکان و خدمتکاران باشید تنها و بی‌یار و مددکار میمانید و از آن بینوایی که روز
بوزیا و پلاس جان می‌سپارد و از دارائی دنیا يك دو کز کرباس برای کفن هم ندارد بیکس
و بی‌یار و یاور ترمیباشید. راستی در این بیماری که خواه ناخواه فرا میرسد رفیقان و دوستان
بچه کار می‌آیند جز آنکه حضورشان بیشتر موجب دردسر و ناراحتی باشد. همین پزشکان
که اسباب دلخوشی شما هستند جز اینکه بیشتر عذاب ورنجتان دهند چه کار دیگر میتوانند
کرده؟ ملازمان و خدمتکاران غیر از اینکه باستانی که در آن فایده‌تی نیست اینسو و آنسو بخانه
بدون‌چه کاری از دستشان ساخته است؟ در آن روز و ساعت شمارا یاران دیگر باید و خدمتکاران
دیگر شاید - تنها یار و مددکاران در چنان روز همین درویشان و مستمندانند که امروز
بدیده حفارت در آنها مینگرید.

بخواری منگرای منعم ضعیفان و فقیران را که صدر مسند عزت فقیر ره نشین دارد

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا سر و زر در کف همت درویشانست
پس چرا زودتر و در موقع خود نباید در پی آن باشید که چنین دوستانی برای روز مبادای
خود ذخیره نمائید تا در آن هنگام بیماری شما بر خیزند و دست یا زبده شما را بسر منزل
جاویدان رسانند.

کاردرویش و مستمند بر آر که ترانیز کارها باشد. (۱)

آه که اگر شما دردهای آنها را تسلی داده و بر نو میدی آنها رحمت میآوردید، اگر همینقدر گوش بناله و فغان آنها میدادید آنوقت همین دلسوزی و ترحم بصورت مالکی در رستاخیز از شما نزد پروردگار شفاعت میکرد و شهادت میداد که در سختی و تنگی بیچارگان را تسلی خاطر داده‌اید. در آن صورت فضل الهی شامل حال شما گردیده و باران رحمت بر روی شما میبارید... تن برهنه‌ای را که پوشانیدید، جگر سوخته‌ای را که سیراب و شکم گرسنه‌ای را که سیر کردید مانند ملائکه دور و برتان مراقب و شما را حفظ و حراست مینمایند. این پزشکان معنوی شب و روز باهم در حال مشاوره خواهند بود تا داروی درد شما را بیابند. اما شما روحشان را کشته و پرمیای نبی بمن چنین مینمایاند که آنها خود موجدات محکومیت شما را بی هیچ مهر و شفقت فراهم میآورند.

اکنون ای سروران یک منظره و صحنه بس شگرف راهم بنگرید. با من بیابید ملائکه مقدس را در اطاق دنیاداری چشم تنگ در حال نزع مشاهده نمایید. آری در همان حال که پزشکان راجع باحوال او با هم مشورت مینمایند و نزدیکانش با ترس و لرز منتظر نتیجه میباشند این طبییهای نادیدنی هم در باب بیماری و دردی بس خطرناکتر با یکدیگر مشورت و مشورت دارند. آنچه جسته گریخته از سخنان آنها شنیده و فهمیده شده اینست: «این مالدار سنگدل را با کوشش تمام زیر درمان قرار دادیم اما هر قدر ضماط های گرم روی قلبش نهادیم نرم نشد و هر چه روغن مالی کردیم از سختی آن ذره‌ای نکاست، هر دارویی بکار بردیم نتیجه‌اش وارون و حال بیمار بداندز بترشد. راستی این همان نیست که در حقش گفتند:

آن شنیدستم که در صحرای غور
بار سالاری بیفتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

اورا بحال خود گذاریم و بمرزوبوم و زادگاه خویش که برای یا ریش از آنجا نرود آمدیم باز گردیم.

آیا در پیشانی این مخلوق داغ گناهکاری را مشاهده نمیکنید؟ چندان سختندل است که دیگر جایی برای رحم از رحم الراحمین باقی نگذاشته لاجرم مستمندان و بینوایان کارش را به حکمه عدل الهی حواله داده و جریان محاکمه‌وی در آسمان واقع شده است. هر چند ممرگت جوانمردی بخرج داده و از مالی که دیگر قادر بنگاهداری آن نیست بذل و بخششها کرده اما فاسوس که لابه و زاریش بی اثر و برای وی امیدی بر رحمت پروردگار نیست...
۱- بجز اینکه بناسبت یکی دو بیت فارسی آوردیم در ترجمه از اصل پیروی شده است.

دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

بنام خداوند بخشنده مهربان

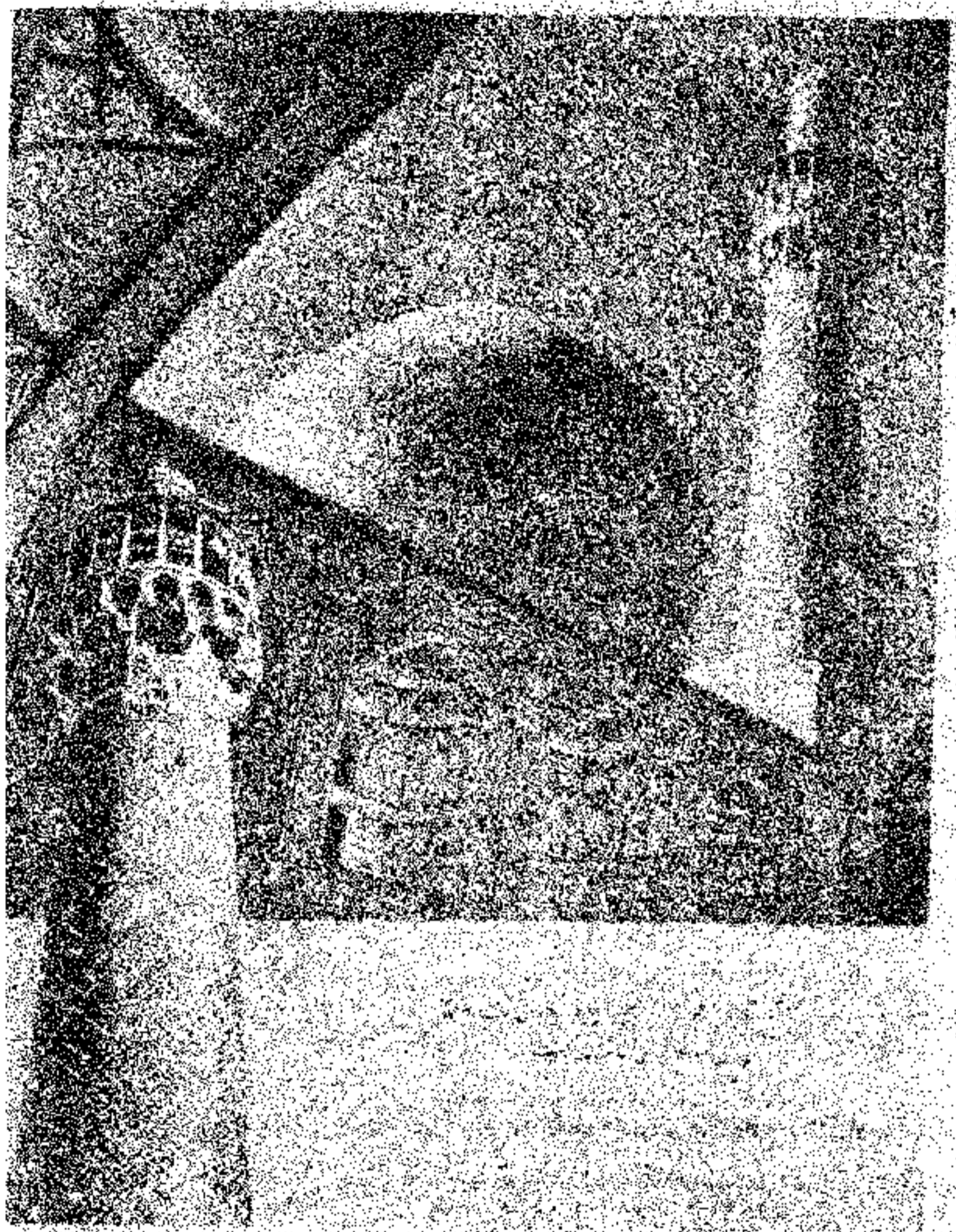
الم (از موزقرآن) . این کتاب بی هیچ شك راهنمای پرهیزگاران است . کسانی که عالم غیب ایمان آرند و نماز پبای دارند و از آنچه روزیشان کردیم بنا داران انفاق کنند آنانکه ایمان آرند بدانچه خدای بتو و بیمبران پیش از تو فرستاد و آنها خود بمالم خرت یقین دارند . آنان هستند که از لطف پروردگار خویش براه راست و بواقع از ستکارانند .

مسجد جامع اصفهان که در قرن پنجم هجری ساخته شده است چون خانه خداست مستغنی از هر گونه تعریف و توصیف و بی نیاز از هر شرح و بیان است، اما از نظر آثار تاریخی میتوان گفت دو امتیاز بزرگ دارد اول از حیث قدمت دوم اسلوب معماری و تزینات و کاشی کاری آن . سبک ضربی و مقرنس کاری که در طاقهای چلستون، ایوانها، سردرها، غرفه ها، حجره ها، گلدسته ها و همه جا بچشم میخورد بقدری دل انگیز و جالب است که بیننده را بی اختیار مسحور و محو ظرفیت و زیبایی خود مینماید . خطوط و نقوش کاشی کاری در کتیبه ها، وی دیوارها و گنبد و اثری که سر بینه هنر و ذوق و صنعت استادان ظریفکار در این شاهکار بخود بروز داده وصف نا کردنی و بطور خلاصه مظهری از جمال و جلوه ای از جلال حق میباشد .

سبک معماری ضربی در سده دوازدهم میلادی در ممالک عیسوی مذهب اروپا معمول گردیده و ابتکار این سبک را فرانسویها بخود نسبت میدهند و آنرا سبک فرانسه یا اژیوال Ogiva خوانند . در این سبک قوسهای متقاطع جای نیم دایره هلالی را در سردرها ، گنبدها و بالای پنجره ها گرفته است . چون تاریخ بنای مسجد جامع اصفهان (۴۸۱ هجری قمری) را در نظر آریم ملاحظه میشود که یک قرن قبل از پیدایش و ایجاد سبک اژیوال توسط فرانسویان اسلوب معماری ضربی با ظرافتی خاص و دلفریب در ایران وجود داشته است . اخیراً توجه به گچبریهای مشبک در محراب این مسجد و قرائن دیگر معلوم میدارد که احتمالاً بنای اولیه این مسجد توسط عمر عبدالعزیز از خلفای اموی صورت گرفته است . بعدها در اثر حوادث گوناگون رو بویرانی رفته تا قرن پنجم هجری از نو ساخته شده است . در صورت تزینات و سبک ضربی و مقرنس کاری مربوط بهمین زمان میباشد .

عکس از نشریه شهرداری تهران شرح از مؤلف .

کارهای همگانی در خدمت بنای مساجد
(قرن پنجم هجری)



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَمْ . ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِیْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ . الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغِیْبِ وَ یُقِیْمُونَ
الصَّلٰوةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ . وَالَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِمَا اُنزِلَ اِلَیْكَ وَ مَا اُنزِلَ مِنْ
قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ . اُولٰٓئِكَ عَلٰی هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .
(آیه ۱ تا ۵ ازسوره بقره)